

کتابخانه
رج اول
قیمت دور
۱۰۰۰
ریال

دیدگاه‌ها

دوره شانزدهم دکتر محمد علی اسلامی ندوش

دفعه پنجم
کارنامه ربی

به کوشش
حسین مسرت و پیام شمس الدینی



سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک (دوره):
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
منابع:
عنوان دیگر:
موضوع:
موضوع:
رده‌بندی ده‌گانه:
رده‌بندی دیو:
شماره کتاب‌شناسی ملی:

مسرّت، حسین، ۱۳۳۹ / شمس‌الدّینی، پیام، ۱۳۵۶.
دیدگاه‌ها، درباره آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن / به کوشش:
حسین مسرّت و پیام شمس‌الدّینی.
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
ص. ۲۳۸

ISBN 978-964-325-370-7(set)

ISBN 978-964-325-427-8(vol 5)

فیبا
ج. ۳-۵ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیبا)
ج. ۵. کارنامه ادبی
درباره آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.
اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۰۴ - نقد و تفسیر.
نویسندگان ایرانی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر.
PIR۷۹۵۳ ۱۳۹۳ ۸۷ ی ۸۹ س /
۸۶۸/۳۶۲
۳۵۲۹۰۸۲

دیدگاه‌ها

دکتر پنجم: کارنامه ادبی

به کوشش: حسین مسرّت و پیام شمس‌الدّینی

چاپ اول: ۱۳۹۴

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپخانه حیدری ۵۰۰ نسخه



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست

۵ دیباچه گردآورندگان

پیروزی آینده دموکراسی (۱۳۲۸)

۱۱ پیروزی آینده دموکراسی / ایرج افشار

۱۶ آشویتس، ایستگاه آخر / محمد صادقی

گناه (۱۳۲۹)، چشمت (۱۳۳۵)، بهار در پاییز (۱۳۸۴)

۲۱ دگرگونی یک شاعر / دکتر سیترا سیروس پرهام

۲۵ [گناه و چشمه] / محمد شمس لنگرودی

۲۷ از شب نیاز تا دُخت پری وار / کابو بدی

۳۷ جوانه های شعر نو / پرویز ناتل خانلری

ملال پاریس و گل های بدی (۱۳۴۱)

۴۳ ملال پاریس و گل های بدی / سیروس ذکاء

۴۹ ملال پاریس و گل های بدی / مصطفی رحیمی

ابر زمانه و ابر زلف (۱۳۴۲)

۶۵ ابر زلف و ابر زمانه / کریم امامی

۷۲ [نقد و بررسی ابر زلف و ابر زمانه] / بهرام بیضایی

۷۸ ابر زمانه و ابر زلف / سیروس پرهام

۸۱ [مدخل] ابر زمانه و ابر زلف [از فرهنگ آثار] / سهیلا غضنفری

۷۸ مغرب زمین از نظر یک شرقی / رودلف گلبکه

۹۶ عاشقان و خشم آوران / رجاء النقاش

افسانه و افسون (۱۳۴۶)

- ۱۰۷ افسانه و افسون / احمد احمدی (بیرجندی)
- ۱۱۵ افسانه و افسون / [نگین]
- ۱۲۰ افسانه و افسون / سید محمد علی جمالزاده
- ۱۳۳ افسانه و افسون / جهانگیر درّی
- ۱۴۸ درباره افسانه و افسون / زویا عثمانووا
- ۱۵۸ درباره افسانه و افسون نوشته دیده‌ور / بزرگ علوی
- ۱۶۸ [گفتار ادبی نو - افسانه‌های اجتماعی] / حسین میر عابدینی
- ۱۷۰ افسانه و افسون / رضا نواب پور

صفر سیرغ (۱۳۴۲)

- ۱۷۹ معرفی «صفر سیرغ» / ملی عون جزایری
- در کشور شوراه‌ها (۱ - ۲)
- ۱۸۳ نگاهی به شوروی منهای سراسر / عبداللّهی

پنجره‌های بسته (۱۳۵۷)

- ۱۸۷ پنجره‌های بسته / حسین مسرت
- ۱۹۰ خیزش ادبیات نوین ایران در دهه چهل / مرتضی امیرآقایی

بهار در پاییز (۱۳۸۴)

- ۱۹۷ بهار در پاییز / حسن احمدی گیوی
- ۲۰۴ خزانه انس و دل‌بستگی‌ها / حسن انوری
- ۲۱۱ بهار در پاییز / محمود رهبران
- ۲۱۴ گر عشق به زلف زندگی آویزد / محمد صادقی
- ۲۲۰ بهاری خوش در پاییزی سرخوش / حسین مسرت

پیوست‌ها

- ۲۳۱ اشاره‌ها
- ۲۳۵ کتاب‌شناسی نقد‌ها

دیباچه گردآورندگان

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن کارنامه ادبی خود را با ترجمه پیروزی آینده دموکراسی (۱۳۲۸، ۱۳۳۰) افشا کرد. ترجمه‌ای که اتفاقاً همزمان با آخرین روزهای تدوین مجموعه دیدگاه، ۱... بار دیگر به چاپ رسید. طرفه آنکه یکی از قدیمی‌ترین نقدهای این مجموعه (به نقل سادروان ایرج افشار) در کنار جدیدترین آنها (اثر محمد صادقی) و هر دو در نقد و معرفی این کتاب هستند. نقدهایی که در این دفتر گرد آمده‌اند، به آثار از روزگار جوانی دکتر اسلامی ندوشن نزدیک‌ترند، پس بهتر آن دیدیم که اینها را در این دفتر از این مجموعه قرار دهیم. با این حال گستره زمانی نوشته‌های ادبی اسلامی ندوشن همچون دیگر آثار او از روزگار جوانی تا روزگار کنونی ما کشیده شده است: از گناه (۱۳۲۹) و چشمه (۱۳۳۵) تا بهار در پاییز (۱۳۸۴).

دو نمونه از نشر روزگار جوانی اسلامی ندوشن که در ذیل مقاله‌ای آمده بود، بی‌هراس از پربزرگ شدن کتاب در مجموعه باقی ماند؛ زیرا هر دو متن‌هایی بودند که دیری است تجدید چاپ نشده‌اند و در اینجا فرصت مغتنمی فراهم آمده است برای آشنایی با آن‌گونه از ادبیات که نقطه عزیمت اسلامی ندوشن در پیمودن راه ادبیات معاصر بوده است. بحث پیمودن اسلامی ندوشن در شعر نو و رها کردن آن نیز حکایتی است که به تفصیل در این کتاب بدان پرداخته شده است.

چند نکته خاص وجود دارد که پس از مطالعه مقالات این دفتر ذهن را همچنان درگیر نگاه می‌دارند: نخست، اسامی مستعاری که اسلامی ندوشن هنگام انتشار آثار ادبی خویش برای خود برگزیده است، جای بحث و تأمل فراوان دارند؛ از «کنارنگ» (مرزبان توس) گرفته تا «م. دیده‌ور»؛ نکته دیگری که در این دفتر بسیار چشمگیر می‌نماید، تعدد نقدها و معرفی‌هایی است که بر کتاب افسانه و افسون (۱۳۴۵) نوشته شده است. این تعداد از نقد و نظر در باب تنها رمان نویسنده‌ای که رمان نویس نبوده، باید حاوی معنا و مفهومی باشد که بیش از این در اینجا بدان نتوان پرداخت؛ آخرین نکته شایان ذکر نیز این است که در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ و پس از آن جای خالی مجلات کتابگزار، سنت نقد ادبی و معرفی کتاب بیشتر و بیشتر احساس می‌شود؛ گویند، علیرغم پیشرفت و تنوع در عرصه ارتباطات و رسانه‌ها هنوز در تعداد اینگونه مطبوعات و دهه‌های گذشته پیشی خاصی نگرفته‌ایم.

چنانکه در دیباچه دفتر سرشار شده شد، کار ویراستاران در گردآوری ناقص است و ممکن است مقالاتی ناشناخته یا نیافته همچنان به این کتاب راه نیافته باشند. گفتنی است جواز ورود هر نوشته‌ای به این کتاب به یکی از آثار اسلامی ندوشن (در حدود پنجاه اثر) گزیده‌ایم. برخی از مقالات نیز که تنها در یک یا چند پاراگراف به اثری خاص از آثار اسلامی ندوشن اشاره کرده بودند، با گزینش همان پاراگراف در بخش «اشاره‌ها» گرد هم آمدند. ربا، ناقص بودن مشخصات کتابشناسی برخی از نقدها نیز در دیباچه دفتر سوم توضیح داده شده است. همچنین یکسان‌سازی رسم خط و ضبط اعلام گاه روح زمانه نگارش مقالات را از نوشته‌های می‌سترده: مثلاً نویسه «طهران» در مقاله‌ای از جمالزاده رنگ و بو و معنای دیگری دارد، همانگونه که «رومان» [رُمان] و «افریقا» [آفریقا] در مقاله‌ای از بزرگ علوی یا ضبط «رومانتی‌سیسم» در تعدادی از مقالات این دفتر. رد پای مؤلفان در انتخاب عنوان‌هایی قراردادی را با نشانه‌های [] می‌توان یافت.

کامیار عابدی و محمد صادقی دو تن از پیگیرترین منتقدان و معرفان آثار اسلامی ندوشن هستند و بدون مقالات ایشان این مجموعه گرفتار نقص بزرگی می شد؛ همچنین گردآورندگان علاوه بر اولیای شرکت سهامی انتشار به دلیل فراهم کردن فرصت چاپ و نشر این مجموعه از مدیریت و کارکنان مؤسسه حروفچینی شبستری نیز صمیمانه تشکر می کنند.

حسین مسرت

پیام شمس الدینی

www.ketab.ir

پیروزی آینده دمکراسی*

ایرج افشار

اثر: توماس مان، ترجمه: محمدعلی
اسلامی [ندوشن]

پیروزی آینده دمکراسی نام کتابی است که آقای محمدعلی اسلامی [ندوشن] از انگلیسی ترجمه کرده و اخیراً بر روی بهترین صورت توسط بنگاه مطبوعاتی امیرکبیر چاپ شده است.

این کتاب متن خطابه‌ای است که «توماس مان»، نویسنده معروف آلمانی در هنگام جنگ اخیر به ضد سیاست آلمان و مساک فاشیسم و در توصیف دمکراسی و آزادی خواهی که مورد علاقه و مهر مردم مریکاست، در آمریکا ایراد کرده و اینک به قلم شیوای اسلامی [ندوشن] به فارسی نقل شده است.

اما پیروزی آینده دمکراسی یکی از آثار عادی نویسنده مزبور نیست بلکه زیرا کار عمده و نامدار او داستان نویسی است. علاوه بر این کتاب که گواهی می‌دهد، نویسنده آن تبخّر و اجتهاد حقیقی را برای توجیه مسائل سیاسی نداشته است.

البته این خطابه در آن گراما گرم جنگ از جهت تحریک و تهییج اعصاب مردم بسیار گیرا و مفید بود، خاصاً که به شیوایی پرداخته شده و از بیان مردی نویسنده — آن هم نویسنده‌ای بزرگ — تراوش کرده است.

یک نکته هست که امروز می‌توان گفت و آن اینکه آنچه هم توماس مان و دیگران به ضد فاشیسم گفته‌اند، تماماً حقیقت و عین واقع نیست. قطعاً کنه امر و حقیقت مسئله تا حدی چیزی دیگر بوده است.

چاپ این کتاب در زبان فارسی لزوم حتمی نداشت، چه فاشیسم از بین رفته و چه ب‌برگریه مرده زدن کاری بی‌پاس است. با اینکه مترجم عزیز درباره ارزش کار خود می‌گوید «... من آن را از این لحاظ برای ترجمه برگزیدم که دیدم با آنکه بیس‌ارده‌ها از تاریخ نگارش آن گذشته، هنوز بسیاری از مطالب آن درباره روزگار ما مسائل و مشکلاتی که با آن روبه‌رویم، صدق می‌کند...» ولی به نظر نگارنده دلیل او - جت - وارد.

اسلامی [ندوشن] در ترجمه این کتاب، کوشش بسیار به کار بسته و تا حدی که او را میسور بوده آن را به‌خوبی پیاده ساخته است. او در ترجمه مزبور کلمات خوش‌آهنگ، زیبا و حتی المقدور فارسی‌ناب را به کار برده. جملات و عبارات را محکم و سلیس و در عین حال صحیح و به‌جای ترکیب کرده و از استعمال کلمات غلط احتراز جسته است. من باب مثال در این کتاب کلمه متداول «تذکر» را که غلط صرف است، به صورت «تذکار» که صحیح آن است، مبادله کرده و با وجود محاسنی که از این ترجمه در ذهن خطور می‌کند و خواننده نیز به آنها پی می‌برد و نیازی به بازگویی ندارد، نکاتی چند توجه را به خود جلب می‌کند که ذکر آنها در اینجا بی‌فایده نیست.

۱. ترکیب بعضی از جملات به صورت فرنگی باقی مانده که با قواعد فارسی تطبیق ندارد. مثلاً جمله: «بی فایده است انکار نفوذ آن روشی که سیستم دیکتاتوری و سیاست قهار خارجی‌اش اعمال می‌کند.» (صفحه ۵۳) و جملاتی در صفحات ۵۷ و ۶۳ و...

۲. در صفحه ۴۶ «نیروی محرکه» غلط است زیرا چون «مضاف» کلمه فارسی

و «مضاف‌الیه» عربی است، ناچار باید گفت نیروی محرک. علاوه بر این نکته، اصطلاح «نیروی محرکه سراسر تاریخ» ترکیبی است که بیش از اندازه ثقیل است و برای خواننده به سختی مفهوم می‌باشد.

۳. در همان صفحه ترکیب «اشرار بینوا» که به طور کنایه از زیان‌آغیا استعمال شده باید به صورت «بینوایان شرور» به کار می‌رفت که از نظر انتقادی تعبیری قشنگ‌تر و دقیق‌تر بود.

۴. متعجبم بسیاری از کلمات را بی‌دریغ با پسوند «انه» ترکیب کرده است که بعضی از آنها بسیار خوش‌آهنگ و خوب از کار درآمده و بالعکس بعضی دیگر بسیار ثقیل و زشت شده است مثل «روشن‌بینانه» یا «خبرگوشانه» یا «مفتخرانه» (که قطعاً افتخارآمیز بسیار خوش‌آهنگ‌تر و زیباتر است) و غیره... مضافاً به اینکه چون این ترکیبات به فراوانی در صفحات کتاب دیده می‌شود و چنان است که تصنعی در کار بوده و در اثر این از صفحات سه یا چهار بار استعمال شده و با برجستگی که دارد در زیر دندان سختی نشان می‌دهد.

۵. در این جمله «آنچه سزار دربارهٔ گایوس فدیوس گفت که مشتاق چیزهای تازه‌اند، دربارهٔ همه بشریت صدق می‌کند...» از هما بشریت مفهومی به جز «بشریت» ناشی نمی‌شود پس کلمه «همه» زائد و بی‌معنی افتاده است. این نکته بسیار کوچک را هم بنویسم که در صفحه ۷ (سطر سوم) جای کلمه «نظایر» اگر «عین» یا «نظیر» به کار رفته بود بسیار بهتر بود. همچنین در این جمله «ولی دموکراسی وجودی جاودانی است» به طور یقین کلمه «موجود» به جای «وجود» ارجح و اولی می‌باشد.

۶. در ذیل صفحه [۹] در توجیه اصطلاح اقتصادی «بگذارید بکنند، بگذارید بروند» نوشته شده که «در فارسی شاید بتوان «رجل بشو» ترجمه کرد.» این تعبیر از لحاظ اینکه در برابر یک شعار و اصل اقتصادی آمده به کلی غلط و بی‌اعتبار است. زیرا «رجل بشو» چیزی جز هرج و مرج نیست و آنان که به «بگذارید بکنند، بگذارید بروند» عقیدت دارند با «هرج و مرج» میانه‌ای ندارند.

۷. در ترجمه کتاب زیبایی کلمات و خوش آهنگی عبارات چنان است که توجه خواننده را از مسائل سیاسی که کتاب بر سر آن تدوین یافته به خود می‌کشد و در نتیجه موضوع اصلی از دست می‌رود. قطعاً نویسنده رساله نیز با قلم سحرار خویش کتاب را به همین سیره و شیوه نوشته که مترجم نیز از او متابعت کرده است. ولی به نظر من اینگونه موضوعات که نویسنده می‌خواهد مسئله‌ای سیاسی را بپروراند و توجه او به نکات دقیقی معطوف است، روش نگارش ناچار باید تنزیر یابد. مثلاً در بحث طبی به همان طرز که در یک قطعه ادبی چیز می‌نویسیم نمی‌توانیم سرشت و نباید هم نوشت.

۸. کلمات «رئیم» و «سیستم» که مترجم برای آنها تعبیر فارسی نیافته است کلماتی هستند که از لحاظ سیاسی دارای مفاهیم مجزا از هم می‌باشند و هریک از این دو در موردی خاص به کار می‌رود، در حالی که در کتاب مورد بحث گاه این موضوع مراعات نگردیده است.

۹. یکی از مسائل بسیار دقیق که مترجم بدان توجه داشته، ترجمه اصطلاحات علمی و فلسفی است که پیشاپیش در مقدمه کتاب با این جمله عذرخواه آمده است، «در باره ترجمه کتاب جز این چیزی نمی‌رانم گفت که نبودن بسیاری از کلمات و اصطلاحات دقیق و علمی در زبان فارسی کار را بر مترجم تنگ می‌گیرد...»

در این کتاب مترجم نتوانسته است برای بسیاری از کلمات ترجمه‌هایی که مفاهیم فلسفی و سیاسی را به خوبی روشن سازد، فراهم آورد. روی این اساس کلمات دموکراسی، فاشیسم و سوسیالیسم و غیره را به صورت عملی استعمال کرده و البته جز این هم چاره‌ای نداشته زیرا این کلمات به همین نحو در اذهان عموم نقل گردیده است.

ولی گاهی برای بعضی هم که می‌توانسته تعبیر و معنایی بسازد کوتاهی کرده، و مثل «اندیویدو آلیست» که می‌توان آن را به «طرفدار مکتب اصالت فرد» ترجمه کرد و غیره همچنان که مثلاً تئوریست را «عالم نظری» نقل کرده که ترکیبی خوب

و تقریباً متساوی با لغت فرنگی است. همچنین در مورد کلمه «اریستوکراسی» که خودش در صفحات بعدتر آن را «اشرافیت» آورده یا «رفورم» که می‌توان به مناسبت محل و موضوع آن را به تجدد، اصلاح یا تغییر ترجمه کرد و هیچگونه لزوم و الزامی در بین نیست که این کلمه به صورت فرنگی استعمال شود. خاصاً که با ترجمه آن به فارسی مفهوم سیاسی آن هم از دست نمی‌رود و همچنین کلمات دیگری که به صورت اصلی به کار برده است.

ما با... در ترجمه بعضی از اسامی و اصطلاحات تعبیر و معانی فارسی آن را به کار می‌بریم تا گوش‌ها با آن آشنا شده و در اذهان مرکزیت یابد؛ کما اینکه اصطلاح بسیار خوب را «امن» به کار می‌بریم برای همه روشن است. چنان که اگر به جای اصطلاح سوسیالیسم (که شاید به هیچ وجه نتوان کلمه فارسی برای آن پیدا کرد و اگر هم پیدا شود آن را مرسوم و متداول نرود) «مکتب اجتماعی» به کار برده شود، بهتر باشد؛ چه ممکن است که این اصطلاح بعد از مدتی حکم همان کلمه فرنگی را پیدا کرده و رایج و معمول گردد و بالاخره دارای همان مفهوم باشد که از لغت خارجی آن مستفاد می‌گردد.

اما قسمتی که مترجم به نام «نامه‌ای از مترجم به خدایانندگان» و به صورت مؤخره به کتاب افزوده سخنان لطیف و کلمات زیبایی است که خواننده را به همراه خود می‌برد ولی در پایان چیزی به او دستگیر نمی‌شود نه از آن سودی عاید آید.

بیش از این کلام خود را طولانی نمی‌کنم و با این دو شعر به پایانی می‌انجامم:

خوشا مرغی که در بند قفس نیست

به جز آزادگان دلشاد کس نیست

بیا تا ملک آزادی بگیریم

بیا تا نقش آزادی پذیریم

آشویتس، ایستگاه آخر*

به مناسبت تجدید چاپ کتاب پیروزی آینده دموکراسی

اثر توماس مان، ترجمه دکتر اسلامی ندوشن

محمد صادقی

پیروزی آینده دموکراسی، به ضمیمه مبادی

حقوق انسانی، توماس مان / ترجمه

محمد علی اسلامی ندوشن، شرکت سهامی

انتشار / ۱۳۹۳، ۱۷۶ صفحه / ۱۰۵۰۰ تومان

توماس مان نویسنده مشهور آلمانی و برنده نوبل ادبیات (سال ۱۹۲۹) در سال ۱۸۷۵ و در شهر لویک آلمان به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۵ در بیمارستانی در شهر زوریخ (سوئیس) درگذشت. با قدرت گرفتن نازی ها در آلمان او که نمی توانست وضعیت موجود را تحمل کند مجبور به مهاجرت شد و ابتدا به سوئیس و سپس به آمریکا رفت. کتاب پیروزی آینده دموکراسی سخنرانی مان در سال ۱۹۳۸ (یک سال قبل از آغاز جنگ دوم جهانی) است که در آمریکا ایراد شده است. این کتاب نخستین ترجمه محمد علی اسلامی ندوشن است که در سال ۱۳۲۸ به واسطه مرتضی کیوان به انتشارات امیرکبیر سپرده و منتشر شده است. با وجودی که سال ها بعد نیز (۱۳۶۹) نشر جامی این کتاب را منتشر کرده،

تجدید چاپ دیگری از این کتاب در سال‌های اخیر با سخت‌گیری‌های وزارت ارشاد به تعویق افتاد ولی به تازگی شرکت سهامی انتشار آن را راهی بازار کتاب کرده که البته این نسخه نیز خالی از سانسور نیست. اما نسخه‌ای که اکنون انتشار یافته این امتیاز را دارد که غیر از مقدمه‌ها و یادداشت‌های مترجم درباره کتاب و اندیشه‌های توماس مان، درس‌گفتارهای وی، مبادی حقوق انسانی نیز به این کتاب افزوده شده است. اسلامی ندوشن در یکی از مقاله‌های کتاب می‌نویسد:

«... و هم‌سر آشویتس را در خرداد ۱۳۵۵ در سفری که به لهستان داشتیم دیدیم. از کراکو با اتومبیل حرکت کردیم. منظره میان راه در آن اوج بهار، خیره‌کننده بود. در زیر آفتاب نرم که خاص سرزمین‌های کم‌آفتاب است، نشاط غالدو داشت، زیرا زیبایی بزرگ، همیشه هاله‌ای از غم بر خود دارد... وقتی به آشویتس رسیدیم، دنیای دیگری بود. در نظر اول، کسی که وارد نباشد از عمق وحشتی که در درون آن نهفته است، باخبر نمی‌شود. مکانی است مانند مکان‌های دیگر. خانه‌های مسطح و ساخته‌شده با آجر قرمز. آجر قرمز رایج‌ترین مصالح روکار لهستان است. خیابان‌های منظم، نه تنگ و فراخ، دو سوی رهگذرها درختکاری، که سبزی نسبتاً جوان می‌نمودند. بر سر هم، راه ناحیه شبیه به یک شبانه‌روزی دانشگاه بود که قاری با عجله و به‌صورت گذرا ساخته شده باشد. ساختمان‌ها شماره‌بندی شده‌اند. ولی روبروی شما، دروازه بی‌بازگشت بود، با گیشه قراولی و حشمت‌آقا که تازه‌واردان را از آن راه به درون می‌آوردند. پا به درون یک بنا که می‌گذارید، امکانات به عمق آنچه در آن گذشته بود پی می‌بردید. بعد که جلو می‌رفتید و کم‌کم آشنایی شدید، می‌دیدید که به قول نیما «خبری نیست ولی هست خبر» بعضی رهاکارها که آن بود بسته بود، اما از پشت شیشه بالا می‌توانستید داخل اتاق‌ها را ببینید...»

او از انتقال دردناک شبانه یهودی‌ها با قطارهای مخصوص (واگن‌های باربری) به آن اردوگاه، شرحی از آنچه در آشویتس رخ می‌داده ارائه کرده، اردوگاهی جهنمی که بدترین شکنجه‌ها و کشتارهای قرن بیستم در آن صورت پذیرفته است. اسلامی ندوشن در «دیباچه‌ای دیگر پس از گذشت سال‌ها» می‌نویسد:

«وقتی به لهستان رسیدیم در طی سه هفته دیدار دیدیم که ورشو یک شهر نوخاسته است، یعنی نزدیک به تمام آن به‌دست آلمان‌ها ویران شده بود. فیلمی به ما نشان دادند که اس‌اس‌ها شیلنگ‌های آتش‌زا به‌سوی ساختمان‌های چندطبقه گرفته بودند و آنها در اصطکاک بالهیبی که از آنها بیرون می‌زد، مانند خمیر فرومی‌ریختند. در خیابان اصلی ورشو تنها یک داروخانه از پیش از جنگ باقی مانده بود که مردم به حکم موزه به تماشای آن می‌رفتند. چند روز بعد در «آشویتس» اردوگاه یهودیان را دیدیم، و کوره‌های آدم‌سوزی و نشانه‌های دیگر، که گویی پس از سال‌ها، هنوز بوی روغن تن آدمیزاد از آن‌ها برمی‌خاست.»

پس از خواندن درباره کتاب پیروزی آینده دموکراسی و آنچه دکتر اسلامی ندوشن درباره «آشویتس» نوشته، بخشی از کتاب در جستجوی آزادی که دربردارنده گفت‌وگویی خردمندانه با «آیزایا برلین» است در ذهن می‌آید، به‌ویژه آنجا که آیزایا برلین می‌گوید: «مردم این پرسش را داشته‌اند که چرا نیروهای متفقین قطارهای آلمانی را که اسیران را به اردوگاه‌های مرگ انتقال می‌داده‌اند بمباران نمی‌کردند؟ و می‌افزاید که این کار سه دچنانی در پی نداشته زیرا نازی‌ها به‌سرعت به بازسازی مسیر پرداخته و کشتن را ادامه می‌دادند. بنا به نظر او نفرتی که نازی‌ها از آن اسیران داشته‌اند چنان زیاد بوده که هیچ‌چیز نمی‌توانسته حرکت آن قطارها و جنایت‌هایی که با ایجاد اتاق‌های گاز انجام می‌گرفته را متوقف کند، نفرتی که به‌نظر می‌رسد بیش از هرچیز زاینده نفرت و دبرتربینی، وحشی‌گری و پندارهای بیمارگونه آنان بوده است.